

ارزیابی نتایج آموزشی و تأثیرات اجتماعی مکاتب محلی در افغانستان (ALSE)

چکیده تحقیقاتی شماره ۴: اولیت بندی منابع تعلیمات محلی بر اساس گروه های سنی

پروژه از پروفیسور دانا بردی (پوهنتون نیویارک)، جوئل میدلتون (پوهنتون برکلی) و سیروس سامی (پوهنتون نیویارک)

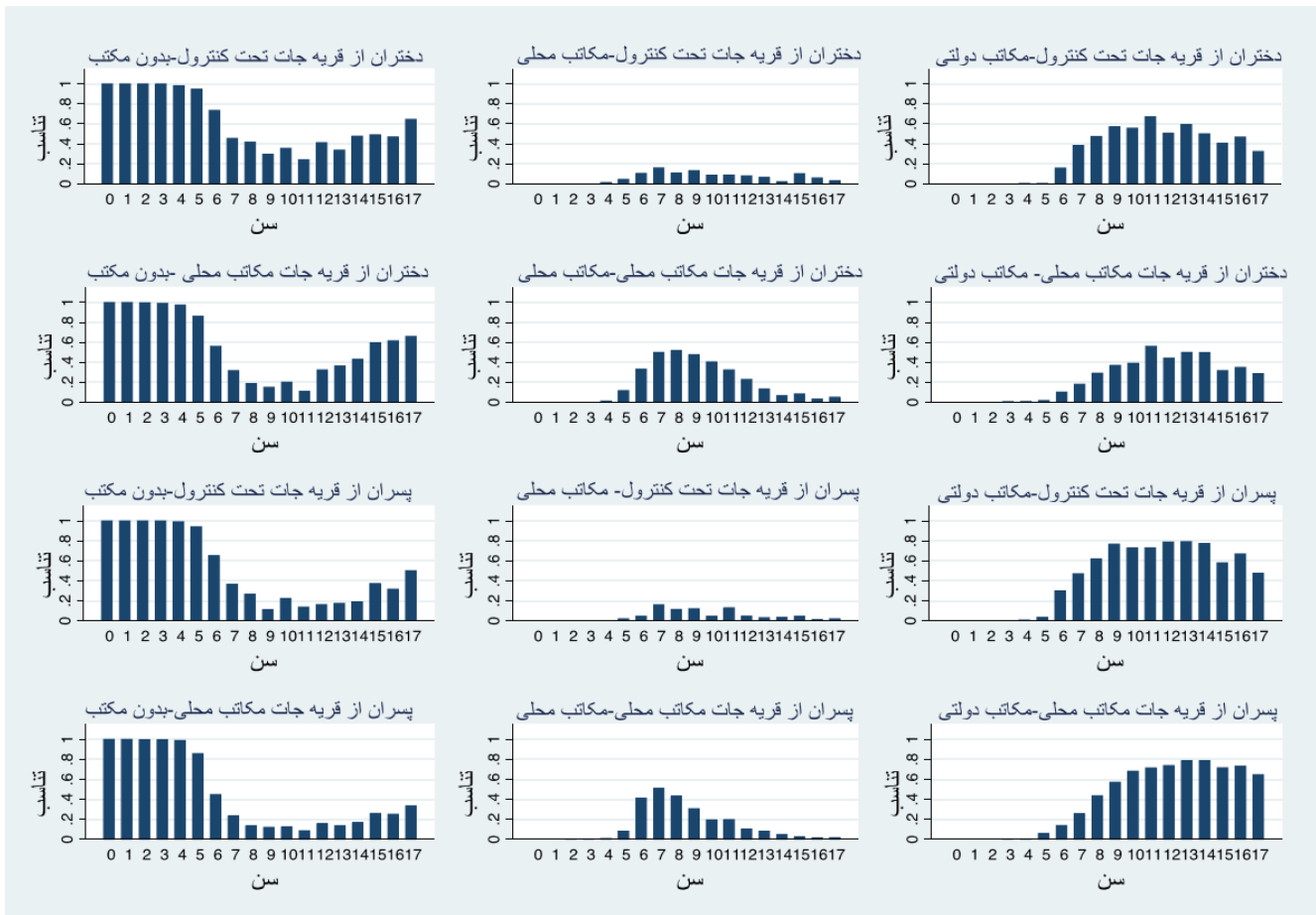
خبرنامه ** سال اول ** شماره ۴ ** دسمبر ۲۰۱۶

پس منظر

مکاتب محلی مانند بسیاری از برنامه های دیگر، به محدودیت منابع مواجه است که مدیران را وادار می کند تا سرمایه گذاری اش اولویت بندی کند و برخی از جوانب برنامه را بیشتر از جوانب دیگر در نظر گیرد. برای مکاتب محلی، با توجه به محدودیت منابع، تطبیق کننده گان روی گسترش بهتر و پایداری مزایای تعلیمی بعد از ختم دوره آموزشی گروه اول شاگردانش بحث میکنند. از یک طرف، مکاتب محلی بر آن است تا با ارائه مضامین پیشرفته تر صنوف قبلی اش را ادامه دهد از جانب دیگر صنوف محلی ممکن برنامه تطبیق درس قبلی را برای شاگردان جدیدالشمول آغاز کند. با اینکه دشوار خواهد بود تا بین دو گزینه تداوم صنوف قبلی و آغاز صنوف جدید سبک و سنگین لازم را انجام دهیم اما دانستن اینکه مردم فعلاً چگونه از مکاتب محلی بهره می برد ممکن کمک کند تا انتخاب بهتر داشته باشیم.

سبک و سنگین کردن ازین نوع چندین پرسش را ایجاد میکند: نخست اینکه چی تعداد از کودکان، گروه سنی تازه از واجدین شرایط مکتب را تشکیل میدهند؟ دوماً، اینکه چگونه که در نظر گرفته شده بود آیا گروه قبلی شاگردان مکاتب محلی به مکاتب دولتی میروند؟ سوال آخر اینکه مسئله جندر چطور است، آیا میزان حضور و غیاب دختران و پسران در مکاتب با افزایش سن آنها رابطه دارد؟

در این چکیده تحقیقاتی ما ثبت نام شاگردان مکاتب محلی را بر اساس سن شان بین دختران و پسران در مناطق تحت پوشش برنامه CBEIP که توسط تیم ALSE تحقیق میشود ارائه میکنیم. تفسیر دیتا بر اساس سن و جنس ما را کمک میکند تا دریابیم که برنامه چگونه تطبیق شده تا بتوانیم مزایای احتمالی ادامه صنوف محلی قبلی از یک طرف و آغاز مجدد آن برای جدیدالشمولان از جانب دیگر را دریابیم.



تحلیل

سوم، گراف ها نشان می دهند که صنوف محلی برای هر دو طبقه، بچه ها و دختران، بعنوان دروازه ورودی برای تعلیم و تربیه بوده که پس از بیرون شدن از آن به مکاتب دولتی جذب می شوند. در قریه های CBEEP شمولیت اطفال در صنوف محلی در سن 9 سالگی کاهش یافته و شمولیت آنها در مکاتب دولتی افزایش می یابد.

چهارم، اگر قطار های دوم و چهارم را مقایسه نماییم، می بینیم که تناسب شمولیت بچه ها و دختران 6-7 ساله در صنوف محلی یک قسم می باشد. ولی همینکه هشت ساله می شوند، تعداد شمولیت بچه ها نسبت به دختران در مکاتب دولتی افزایش می یابد، ولی برعکس آن صنوف محلی شاهد افزایش دختران هشت ساله می باشند. بازم این نشان دهنده اهمیت گسترش صنوف محلی برای صنوف بالاتر است تا از این طریق دخترانی که سن شان بالا می رود دسترسی به تعلیم و تربیه داشته باشند.

سوالات تحقیق و مفاهیم ضمنی

این یافته ها سوالات دیگر تحقیقی را نیز بوجود می آورد.

- 1) در مورد نوعیت ارتباط بین مکاتب محلی و مکاتب دولتی اطلاعات بیشتری نیاز است. بطور مثال، ما هنوز نمیدانیم که آیا اطفال که بین 6-11 سال دارد در هنگام تاسیس مکاتب محلی از مکاتب دولتی بدانجا آمدند یا اینکه آنها بدون اینکه در مکتب دولتی ثبت نام شده باشند به مکتب محلی آمده اند. آگاهی بیشتر در مورد اینکه آیا اطفال مسیر نخستین آموزشی را تغییر داده یانه کمک میکند تا سوالات را راجع به اولویت بندی منابع پاسخ گفته و دریابیم که تا چی زمان دوره آموزشی برای هر گروه از شاگردان باید پایان پذیرد.
- 2) این گرافها نشان میدهد که آیا اطفال که سن 6-11 دارند در مکاتب محلی فعلی شامل اند. هنوز اما ما نمیدانیم که آنها چگونه شامل شده اند. آیا معلمان مکاتب محلی مواد را که برای شاگردان جدید در نظر می گیرند تعدیل میکنند؟ آیا آنها روشهای مختلف آموزشی را برای شاگردان جدید و قدیم در نظر می گیرند؟
- 3) تناسب اندک اما مهم از اطفال 5 ساله نیز در هنگام جمع آوری این دیتا در مکتب ثبت نام شده بودند. این نشان دهنده تقاضا برای تعلیم و تربیه در سنین خورد است. تحقیق نشان دهنده تأثیرات مثبت است که اطفال مکتب را زود تر آغاز میکنند. مکاتب محلی می تواند یکی از راها مؤثر انتقال این تأثیرات به اطفال در افغانستان باشد.

آنچه در شماره بعدی خواهد آمد

در چکیده تحقیقاتی بعدی ما اینرا ارزیابی خواهیم نمود که چگونه مردم در قریه جات که CBEEP تطبیق میشود از تعلیم و تربیه حمایت نموده اند. همینطور پیامد آن برای تداوم تعلیمات محلی چی میتواند باشد. تحلیل ما مبتنی بر یافته های تحقیقاتی است که از مصاحبه های 2016 با ریاست معارف، آمریت معارف و موسسات تطبیق کننده CBEEP پاملرنه و سی آر اس بدست آمده است.

سلسه گراف های صفحه قبلی تناسب سنین اطفال را نشان می دهند که در خزان 2015 در انواع مکاتب (مکتب دولتی، مکتب محلی و یا هیچ مکتبی) در مناطقی که مکتب محلی تطبیق می شود (مثلاً، 184 قریه در بامیان، دایکندی، غور، هرات، کاپیسا و پروان) شامل مکتب اند. این معلومات به دو دسته تقسیم شده است، اول از لحاظ جنسیتی و دوم اینکه آیا اطفال در دوران جمع آوری معلومات به مکتب محلی CBEEP دسترسی داشتند یا خیر. قطار اول گرافها نشان دهنده دخترانی است که در سال 2015 دسترسی به تعلیمات محلی نداشته و در سال 2016 آموزش را شروع کردند (قریه های تحت کنترول) و قطار دومی دخترانی را نشان می دهد که در سال 2014 شروع به آموزش کردند (قریه های تحت تطبیق پروژه). قطار های سومی و چهارمی هم بچه ها را در قریه های تحت کنترول و قریه های که آنجا فعلاً پروژه در حال تطبیق است پشت سر هم نشان می دهند. در هر قطار جمع سنین اطفال 100% در نظر گرفته شده. بطور مثال، قطار آخر (قریه های تحت تطبیق پروژه) نشان می دهد که 25 فیصد اطفال 7 ساله به مکتب نمی روند، 50 فیصد شان شامل مکتب محلی بوده و 25 فیصد دیگر آن به مکتب دولتی می روند. ما همچنان دریافتیم که تعداد اطفال شامل در مکاتب محلی در قریه جات تحت کنترول صفر نیست. این بیانگر آن است که اطفال قریه های تحت کنترول شاید در صنوف محلی که توسط موسسات دیگر برگزار شده اند مشغول تعلیم باشند و یا هم آنها به قریه جات که مکتب محلی CBEEP دارند رفته و در آنجا تعلیم می بینند. ما این موضوع را در تحلیل های آینده بیشتر توضیح خواهیم داد.

گراف ها نشان دهنده چندین موضوع است. اول، ما دریافتیم که بالاترین سن که دختران مکتب ترک می کنند 12 سالگی است. این موضوع در هر دو قریه تحت کنترول و قریه های تحت تطبیق پروژه، هویدا است. در این سن و سال تفاوت جنسیتی در شمولیت به مکتب کاملاً آشکار است. در قریه های تحت کنترول فیصدی شمولیت پسران 12 ساله در مکتب های دولتی به 80% رسیده در حال که فیصدی شمولیت دختران 12 ساله در آنجا به 50% می رسد. ما می بینیم که اگر مکتب محلی در دسترس باشد نسبت بالاتر دختران 12 ساله یا بالاتر از 12 در آنجا به آموزش ادامه خواهند داد. اما رفتن به صنوف محلی در این سنین کاهش می یابد شاید به این دلیل که مکتب محلی معمولاً برای اطفال کوچکتر است. این تفاوت های جنسیتی شاید باعث کاستن اهمیت ادامه صنف های مکتب های محلی با داشتن مواد درسی پیشرفته تر برای گروه های سنی بالاتر برای از بین بردن خلای جنسیتی در تعلیم و تربیه شود.

دوم، این دیتا یک سوال مهمی را راجع به اینکه تعلیمات محلی چگونه اطفال را در سنین مختلف که واجد شرایط مکتب اند جمع آوری می نمایند. قبلاً ما مطمئن نبودیم که آیا والدین منتظر میمانند تا اطفال خود را در دوره بعدی صنف محلی ثبت نام کنند و یا اطفال شان وقتی شرایط سنی را پوره کردند شامل صنف محلی که فعلاً فعال است میشود. صنوف محلی دو سال قبل از اینکه این معلومات جمع آوری شود شروع به کار کرده بودند. اگر والدین منتظر شروع دوره بعدی صنوف محلی بودند، ما شاید هیچ طفلی زیر سن 8 سال را نمی داشتیم که در صنوف محلی فعلی ثبت نام کنند. واقعیت اما این است که اطفال 6 و 7 (حتی 5) ساله شامل سال دوم صنوف محلی فعلی است که نشان میدهد بعضی اطفال همینکه سن واجد شرایط را پوره کردند شامل صنوف محلی فعلی شده اند.